

مخاطب شناسی خطبه های امام سجاد (ع) در کوفه و شام

دکترعلی فارسی مدان^۱

چکیده

بعد از واقعه جانگداز کربلا، کاروان اسراء وارد شهر کوفه شد، امام سجاد (ع) با توجه به شناخت خویش از موقعیت، فضای جامعه و عقاید کوفیان؛ خطبه ای قرائت فرمود. یکی دیگر از حساس ترین سخنان امام (ع)، خطبه ای است که در میان رجال سیاسی و دینی شام بیان شده است؛ زیرا امام (ع) وارد شهری شدند که مردم نسبت به اهل بیت (ع) شناخت کمتری داشتند و از واقعه کربلا بی خبر بودند. بدین جهت خطبه حضرت (ع) در دو شهر شام و کوفه متفاوت است. لذا امام (ع) براساس مخاطب شناسی خویش باید تحولی عظیم و بنیادین در بینش مردم نسبت به چرایی نهضت حسینی و تبلیغ پیام های عاشورا و اهداف شوم امویان ایجاد کند.

کلیدواژگان: امام سجاد (ع)، خطبه، کوفه، شام، مخاطب شناسی.

^۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم alifarsimadan98@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مساله

حرکت امامان (ع) همواره بر مبنای بینش صحیح و الهی آن بزرگواران بوده است و دوران امامت هر امامی، امتداد دوره رسالت امام قبلی و مکمل آن است. از این روسیره علمی و عملی ائمه معصومین (ع) باید به عنوان الگو و سرمشق قرار گیرد. امام سجاد (ع) با وجود حادثه غمبار و عظیم شهادت امام حسین (ع)؛ با موضعی شجاعانه و به دور از ترس پیش رفت و عمر شریف و گرانمایه خویش را برای پاسداری از مکتب حسینی و گسترش معارف اسلام وقف نمود. این مقاله با نگاهی گذرا و متفاوت به خطبه‌های امام سجاد (ع) در کوفه و شام خواهد پرداخت تا بتواند با تکیه بر نظام تبلیغی امام (ع) سبک و روشی نو و قابل استفاده برای خطباء، مبلغان، پژوهشگران و نویسندگان محترم ارائه دهد.

۲-۱. سوالات پژوهش:

نوشتار حاضر به دنبال پاسخ این سؤال است که، "روش مخاطب شناسی در خطبه‌های امام سجاد (ع) در کوفه و شام چه نقشی دارد؟" می‌باشد. همچنین پاسخ خواهیم داد که، چرا خطبه امام (ع) در کوفه و شام متفاوت است و دلیل آن چه می‌باشد؟ خطبه حضرت (ع) در کوفه و شام چه بازتابی داشته است؟ جامعه شناختی در خطبه امام سجاد (ع) چه جایگاهی دارد؟

۳-۱. فرضیه تحقیق:

فرضیه تحقیق این است که امام سجاد (ع) در آموزه‌های دینی و روشی، به عنوان بهترین منبع و الگو در زمینه تبلیغ و تربیت مطرح می‌باشد. با آشنایی به ابعاد علمی و عملی امام (ع)، می‌توان از سخنان و خطبه‌های ایشان به صورت روشی آگاهی پیدا کرده و بهره برد.

۴-۱. مفهوم شناسی خطابه:

خطابه، صنعتی علمی است که تنها نتیجه آن اقناع توده مردم نسبت به مطلب مورد نظر است، به طوری که در آنان جزم و یقین واقعی ایجاد می‌کند. بنابراین خطابه تنها

اختصاص به کلام شفاهی ندارد، بلکه هر اثر اقناعی اعم از گفتاری یا نوشتاری را نیز در بر می‌گیرد (منتظری مقدم، ۱۳۸۸: ۴۹۶).

همچنین مبادی خطابه؛ مظنونات، مقبولات و مشهورات است. اگر در صناعت خطابه، مبادی دیگری از استدلال نیز که موجب اقناع مخاطب می‌شود به کار رود هر چند آن مقدمه از مخیلات یا مسلمات باشد، به لحاظ منطقی درست است (همان).

۲. امام سجاد (ع) در کوفه و شام:

یکی از ویژگی‌های مختص حادثه عاشورا، اسارت خاندان رسول اکرم (ص) بود که در طول تاریخ بی‌سابقه بود. کاروان اسراء بعد از شهادت امام حسین (ع)، به سمت کوفه حرکت کردند. در آن جا امام سجاد (ع) خطبه‌ای که با سرزنش کوفیان همراه بود، ایراد فرمودند سپس؛ در مجلس یزید ماهیت واقعی حاکم اموی را افشا نمود و به تبیین اهداف قیام نهضت حسینی پرداخت. اما سوال این است، چرا امام سجاد (ع) در ابتدای امامت خویش؛ چنین موضعی فعال، صریح و تهاجمی در برابر دشمن دارد؛ سپس با دعا و نیایش به پاسداری از مکتب و گسترش معارف اسلامی ادامه می‌دهد؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای در جواب می‌نویسد: این فصل، فصلی استثنایی بود. اینجا امام سجاد (ع) جز آن که امام است و باید زمینه کار آینده را برای حکومت الهی و اسلامی فراهم کند، زبان گویایی برای خونهای ریخته شده عاشورا است. امام سجاد (ع) در اینجا در حقیقت خودش نیست، بلکه زبان خاموش حسین (ع) باید در سیمای این جوان انقلابی در شام و کوفه تجلی کند. اگر آنجا امام سجاد (ع) این چنین تند و برنده و تیز و صریح مسائل را بیان نکند، در حقیقت زمینه‌ای برای کار آینده او باقی نمی‌ماند؛ چون زمینه کار آینده او خون جوشان حسین بن علی (ع) بود، چنان که زمینه برای همه قیام‌های تشییع در طول تاریخ، خون جوشان حسین بن علی (ع) است و باید به مردم هشدار بدهد که جز با این زبان تند و تیز امکان پذیر نیست. نقش امام سجاد (ع) در این سفر نقش حضرت زینب (س) بود، یعنی پیام‌آور انقلاب امام حسین (ع) می‌باشد. اگر مردم بدانند که حسین (ع) کشته شد و چرا کشته شد و چگونه کشته شد، آینده دعوت به

اسلام ودعوت اهل بیت (ع) به نوعی خواهد بود و اگر ندانند به نوعی دیگر است. بنابراین برای آگاهی و گسترش این شناخت در سطح جامعه باید همه سرمایه‌ها را به کار انداخت و تا هر جا ممکن است این کار را انجام داد. بدین جهت امام سجاد (ع) مانند تك تك اسیران (هر کس به قدرتوان خویش) يك پیام آور است. همه این نیروها باید گرد هم آیند تا بتوانند خون جوشان به غربت ریخته شده امام حسین (ع) را به تمام مناطق اسلامی ببرند (رفیعی، بی تا: ۲۳/۱).

امام سجاد (ع) در شهر کوفه، مردم را به خاطر عدم وفای به عهد و عدم پشتیبانی از امام خودشان سرزنش می‌کنند و سخن از مظلومیت امام حسین (ع) به میان می‌آورد. در حالی که در شام به گونه‌ای دیگر خطبه می‌خواند. حال، چرا موضع‌گیری امام (ع) در این دو شهر متفاوت است؟ دلیل واقعی و حقیقی آن چیست؟

در پاسخ به این سؤال، لازم است بگوییم امام سجاد (ع) در اوج فصاحت و بلاغت بودند و از فرمایش ایشان می‌توان مباحث محوری به عنوان روش و سبک استخراج کرد، زیرا امامان معصوم (ع) در تمام ابعاد الگو و اسوه می‌باشند.

ما قائل هستیم امام (ع) از اسلوب و سبک زیبا و کارآمد به نام "روش مخاطب‌شناسی" بکار بردند که در عرصه تبلیغ بسیار تأثیرگذار است. بر این اساس، دلیل تفاوت خطبه‌ها در کوفه و شام و حتی مدینه؛ به مخاطب‌شناسی امام (ع) برمی‌گردد؛ یعنی با توجه به شناخت خویش از مخاطبان؛ محور خطبه‌ها مشخص شده است. در ادامه خطبه‌های امام (ع) را با رویکرد "روش مخاطب‌شناسی" و نقش این روش در تبلیغ و کاربرد آن در خطبه‌های حضرت (ع) در کوفه و شام بیان می‌کنیم.

۳. تبیین روش مخاطب‌شناسی:

یکی از محورهای اساسی در تبلیغ، شناخت مخاطبین است. زیرا مخاطب مهم‌ترین رکن از ارکان تبلیغ است. در مخاطب‌شناسی، اساساً متأثر نمودن مخاطب هدف اصلی از برقراری هراتباط تبلیغی است. در فرایند عملیات تبلیغی، ابتدا باید فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات، شیوه زندگی، مشکلات، آسیب‌های مرتبط با مخاطبین را شناخت؛

سپس در فراگرد تبلیغ، پیام تبلیغی را متناسب با فرهنگ و سایر ویژگی ها به مخاطب ارائه کرد.

یکی دیگر از ویژگی های مهم مخاطب شناسی، شناخت نیاز مخاطب است. همیشه مخاطب نیازمند امور اعتقادی یا اخلاقی و یا احکام شرعی نیست، بلکه نیازهای اساسی دیگری ممکن است در او وجود داشته باشد.

نکته ای دیگر این است که بدانیم ظرفیت های مخاطب چیست؟ مخاطبین از لحاظ جسمی متفاوتند، لذا از لحاظ روحی نیز فرق دارند. پس مردم هر منطقه با یکدیگر تفاوت دارند و کلام تبلیغی باید متناسب با ظرفیت هر منطقه و افراد باشد.

علامه حلی در بحث نماز جمعه، یکی از مستحبات را چنین می شمرد:

«یستحب أن یکون الخطیب بلیغاً»؛

«مستحب است که خطیب بلیغ باشد».

ایشان در ادامه حدیثی می آورد که امام علی (ع) فرمود:

«کلموا الناس علی قدر عقولهم»؛

«با آدمیان به اندازه خردهای آنان سخن بگویید» (حلی، ۱۴۱۴: ۸۴/۴).

این کلام حضرت (ع) اشاره به شناخت ظرفیت مخاطب است.، چنانچه حضرت رسول (ص) می فرماید:

«أنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلّم الناس علی قدر عقولهم»؛

«ما طایفه پیامبران مأمور شده ایم به اندازه عقل های بشری با آنان سخن بگوییم»

(برقی، ۱۳۷۱: ۱۹۵/۱).

پس ارسال رسولان در دوره های مختلف، به همین دلیل انجام گرفته است. لذا شناخت مخاطب و ظرفیت ها به مبلغ این راهکار را می دهد که بر اساس نیاز و ظرفیت های مخاطب پیام تبلیغی خود را ارائه دهد.

ائمه معصومین (ع) نیز در فرمایشات گهربار خویش از ویژگی و شیوه روش مخاطب شناسی بهره بردند و بر اساس شناخت، نیاز و ظرفیت مخاطب به تبلیغ دین

می پرداختند. نکته مهم و اساسی این است که روش مخاطب شناسی در خطبه های تبلیغی امام سجاد (ع) در دوشهرکوفه و شام، نمود بیشتری دارد. لذا در ادامه به واکاوی و بررسی خطبه ها در دوشهرکوفه و شام به روش مخاطب شناسی می پردازیم.

۴. شهرکوفه:

امام سجاد (ع) در ورود به کوفه براساس روش مخاطب شناسی در جهت اهداف الهی خویش خطبه خواند. برای اینکه به عظمت و بزرگی فعالیت تبلیغی امام سجاد (ع) در دوره اسارت در این شهر اشاره کنیم، ضروری است؛ برای درک بهتر خطبه حضرت (ع)، ابتدا شهرکوفه را بررسی کرده و سپس به تحلیل خطبه بپردازیم:

۴-۱. موقعیت شهرکوفه:

کوفه در سال ۱۷ هجری، زمان خلافت خلیفه دوم، به دست سعد بن ابی وقاص، به منظور برپایی یک پادگان نظامی برای پیگیری هر چه بیشتر فتوحات اسلامی پی ریزی شد. سعد از مدائن (پایتخت) به آن شهر جدید منتقل گردید. علت آن، بدی آب و هوای آن منطقه بود. فاصله زمانی میان جنگ قادسیه و اقامت در شهر جدید کوفه؛ یک سال و دو ماه بود و فاصله بین آغاز خلافت خلیفه دوم و احداث شهرکوفه؛ سه سال و هشت ماه بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۲۷-۵۲۸). وقتی که حضرت علی (ع) به حکومت رسید، در سال ۳۶ هجری به کوفه نقل مکان کرد و این شهر مرکز اصلی نهضت‌ها، الهامات شد. در بعضی زمانها مرکز هماهنگی فعالیت شیعیان از جمله نهضت مختار گردید. امام حسن مجتبی (ع) نیز به خاطر بی وفایی کوفیان، در جهت مصلحت؛ مخصوصاً برای حفظ جان شیعیان و نشان دادن چهره واقعی معاویه، صلح با خلیفه شام را قبول کرد.

کوفیان در قبال امام حسین (ع) نیز سیاستی دوگانه داشتند. آنها بعد از مرگ معاویه، از امام حسین (ع) دعوت کردند تا به شهرکوفه برود و مرکز حکومتش را آنجا قرار دهد اما بعد از مدتی کوفیان به همراه شامیان واقعه عاشورا را رقم زدند.

پس کوفیان، اهل بیت پیامبر (ص) را به درستی می شناختند. امام سجاد (ع) بعد از واقعه عاشورا به عنوان امام و رهبر جامعه اسلامی و پیام رسان نهضت عاشورا، اولین برنامه

تبلیغی خود را در کوفه با توجه به مؤلفه‌ها و فاکتورهای روش مخاطب‌شناسی آغاز کرد.

۲-۴. خطبه امام سجاد (ع) در کوفه:

امام سجاد (ع) با شناختی که از موقعیت، درجه ایمان و اعتقاد، فضای حاکم بر شهر، گذشته کوفه، جو روانی و ظرفیت مخاطبین داشت؛ باید به تبلیغ دین و نهضت بزرگ کربلا می‌پرداخت. پس تبلیغ حضرت (ع) باید بر اساس روش مخاطب‌شناسی صورت پذیرد تا اثرگذاری، اقناع اندیشه و تحریک احساس و عواطف را به همراه داشته باشد. در شهر کوفه، ابتدا حضرت زینب کبری (س) شروع به خواندن خطبه کرد. مردم با شنیدن صوت حزین زینب (س)؛ گریه، ضجه و ناله کردند. سپس امام سجاد (ع) به آنها اشاره کرد که ساکت باشید تا به ایراد سخنرانی پردازند. امام سجاد (ع) با توجه به سوابقی که از کوفیان و مخاطبان خود در ذهن داشت، با حالت ملامت‌گرو سرزنش‌کننده و بر اساس موقعیت‌های مختلف مخاطبین؛ فرمود:

«... أن اسکتوا فسکتوا فقام قائماً فحمد الله أثنى عليه و ذكر النبي و صلى عليه ثم قال أيها الناس من عرفني فقد عرفني، و من لم يعرفني فانا على بن الحسين بن علي بن أبي طالب صلوات الله عليهم...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۴۵ و ۱۱۳- ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۷).

امام سجاد (ع) با دست اشاره به مردم فهماند که ساکت شوید، همه ساکت شدند، آنگاه برخاست و ایستاد. پس از حمد و ثنای الهی و درود بر محمد مصطفی (ص) چنین فرمود: «ای مردم! آن کس که مرا شناخت و آن کس که مرا نشناخت خود را به او معرفی می‌کنم، من علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) هستم. من پسر کسی هستم که در کنار فرات بدون آنکه خونی را از او طلبکار باشند و خواستار قصاص شوند، او را سر بریدند. من پسر آن کسی هستم که حریم حرمت او را شکستند، و مال او را به یغما بردند، و اهل بیت او را به اسیری گرفتند، من پسر آن کسی هستم که او را بدون دفاع کشتند، و این افتخار (شهادت) ما را بس.

ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید که برای پدرم نامه نوشتید ولی او را فریب دادید، و پیمان و عهد و میثاق بستید و بیعت کردید، در عین حال

با او جنگیدید، و او را بی‌یاور گذاشتید، هلاکت باد بر شما که چه توشه‌ای برای خود به پیش فرستادید؟
 وزشت باد رأی شما با کدام چشم! رسول خدا (ص) را می‌نگرید، آن هنگام که به شما بفرماید: عترت مرا کشتید، و حریم حرمت او را شکستید، پس شما از امت من نیستید...»

۳-۴. تحلیل و بازتاب خطبه امام سجاد (ع):

اکنون سؤالی که مطرح می‌شود، آن است؛ هدف امام سجاد (ع) از این خطبه چه بود؟
 روش مخاطب‌شناسی به امام سجاد (ع) این اجازه را می‌دهد که با توجه به آن مؤلفه‌ها به تحریک احساس کوفیان پردازد و مستقیماً خودش را معرفی کند و به وقایع و حادثه جانگداز عاشورا پردازد.

بعد از اینکه امام (ع) خطبه را ایراد فرمودند، مخاطبین بر اساس خصوصیات روانی و ایمانی و سطح آگاهی به خصوصی که داشتند، از عمل خود پشیمان شدند از هر طرف صدای ناله بلند شد و گروهی از کوفیان به گروه دیگر گفتند که هلاک شدید و خود نمی‌دانید (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۷).

امام سجاد (ع) در ادامه سخنانش فرمود:

«رحم الله امرأ قبل نصیحتی و حفظ وصیتی فی الله و فی رسوله و اهل بیته فإِنَّ لَنَا فی رسول الله أسوة حسنة...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۸):
 خدا پیامزد کسی را که پند مرا بپذیرد و به خاطر خدا و رسول (ص) به آنچه می‌گویم عمل کند، چرا که روش رسول خدا (ص) برای ما الگویی شایسته است و به این آیه قرآن استناد فرمودند.

پس کوفیان ابراز همدردی کردند و در یک صدا فریاد برآوردند: ای فرزند رسول خدا (ص) ما گوش به فرمان شما و به تو وفا داریم، از این پس مطیع فرامین تو هستیم، با هر که فرمان دهی می‌جنگیم، با هر که دستور دهی صلح می‌کنیم و ما حق تو و حق خودمان را از ظالمان می‌گیریم.

امام سجاد (ع) در پاسخ آنها فرمود:

«هیئات هیئات أیها الغدره حیل بینکم و بین شهوات أنفسکم أتريدون أن تأتوا الیّ
کما أتیتم إلی ابائی من قبل؟...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۸- طبرسی، ۱۴۰۳:
۳۰۵/۲-۳۰۶)؛

«هرگز! ای خیانت کاران دغل باز! ای اسیران شهوت و آز، می خواهید همان
پیمان شکنی و ظلمی را که نسبت به پدران من روا داشتید، درباره من نیز روا
دارید؟ نه به خدا سوگند! هنوز زخمی را که زده اید، خون فشار است و سینه از داغ
مرگ پدر و بردارانم سوزان. طعم تلخ مصیبتها هنوز در کامم هست و غمها گلوگیر و
اندوه من تسکین ناپذیر است، از شما کوفیان می خواهم که نه با ما باشید و نه
علیه ما...».

امام سجاد (ع) عمده ترین مشکل مخاطبین خود را "از خود بیگانگی" و "از دست
دادن شخصیت آرمانی و اسلامی" و "خیالات باطل" می دانستند. امام (ع) با این
شناخت، آنها را مورد سرزنش قرار داد تا غبار جهل و نادانی را از آنان بزاید و از خواب
غفلت بیدار کند و نتایج آن، در زنده شدن روحیه جهاد و شهادت در میان شیعیان،
مخصوصا با دو قیام توابین و مختار بروز و نمود پیدا کرد. این روحیه در خون مسلمانان و
آزاد یخواهان جهان تا به امروز در جریان است.

۵. شهر شام:

امام سجاد (ع) به همراه کاروان اسراء به دستور عبیدالله بن زیاد، راهی شام شدند و در
آنجا به ایراد خطبه پرداختند. اکنون این سؤال مطرح می شود؛ امام سجاد (ع) در شام با
ایراد خطبه چه اهدافی را دنبال نمودند؟ برای دریافت پاسخ، ابتدا لازم است؛ خطبه
حضرت (ع) را بر اساس روش مخاطب شناسی تحلیل کرد تا اهداف و نتایج آن روشن
گردد:

۵-۱. موقعیت مخاطبین امام سجاد (ع) در شام:

اگر ما موقعیت و فضای حاکم و فرهنگ شام را خوب بشناسیم، بهتر می توانیم به نوع
تبلیغ امام سجاد (ع) پی ببریم که حضرت (ع) با چه ارزیابی و شناختی از مخاطبین
خویش به ایراد سخنرانی و تبلیغ نهضت عاشورا پرداخته اند. پس لازم است شهر شام را

بشناسیم تا لذت خطبه امام (ع) را درک کنیم:

۵-۱-۱. موقعیت و فرهنگ و اعتقادات شام:

امام سجاد (ع) در عصر حکومت خود با چالشی به نام "شام" روبرو بود. چون شام به شهر دسیسه و نیرنگ، شهر دشمنان اهل بیت (ع) معروف بود. شام شهری بود که مردان و زنانش بیش از ۴۰ سال جز بدگویی از علی بن ابی طالب (ع) چیزی دیگر شنیده بودند و لعن و نفرین او را فریضه و واجب می‌شمردند. علت این بود که شامیان تحت تربیت معاویه بودند.

ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

«و ولّاه [معاویه] عمر الشام بعد اخيه يزيد بن أبي سفيان، وأقره عثمان، ثم استمر فلم يبايع عليا، ثم حاربه، واستقل بالشام، ثم أضاف إليها مصر، ثم تسمى بالخلافة بعد الحكمين...» (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶/۱۲۰)؛

عمر بعد از یزید بن ابی سفیان، معاویه را حاکم شام قرار داد. عثمان نیز او را در سمتش ابقاء کرد. اما با علی (ع) بیعت نکرد و به جنگ با مولا پرداخت و حکومت خود را در شام با اضافه کردن مصر به آن تثبیت کرد و خود را بعد ماجرای حکمیت خلیفه مسلمین خواند...».

دینوری نیز در کتاب خود چنین می‌گوید:

«ثم قتل عثمان... ثم بايع الناس عليا... ثم ان عليا (رضي الله عنه) اظهر انه يريد السير إلى العراق، وكان علي الشام يومئذ معاوية بن أبي سفيان، وليها لعمر بن الخطاب سبعا، وليها جميع ولاية عثمان اثنتي عشرة سنة،... وبعث علي (ع) عنه عماله إلى الأمصار... واستعمل سهل بن حنيف علي الشام... معاوية قد خالف، و ان اهل الشام بايعوه» (دینوری، ۱۳۶۷: ۱۴۰-۱۴۱)؛

«بعد از قتل عثمان، مردم با حضرت علی (ع) بیعت کردند. ایشان عراق را مرکز حکومت خویش قرار داد. در آن زمان معاویه در شام بود. معاویه ۷ سال در زمان عمر و ۱۲ سال در زمان عثمان حاکم بود. علی (ع) سهل بن حنیف را بر شام برگزید اما معاویه با این حکم مخالفت کرد و شامیان با معاویه بیعت کردند». بنابراین، آیا نمی‌توان گفت معاویه بیش از ۴۰ سال، بر فرهنگ مردم شام



تأثیرگذار بوده است؟

معاویه در این فرهنگ سازی، اسلام مدنظر بنی امیه را ترویج داده و مردم را از فرهنگ ناب اسلام محمدی (ص) دور نگه داشته است. به طور مثال: یک جوان ۴۰ ساله، دیگر از اسلام، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) چیزی نمی داند بلکه آن اسلامی را قبول دارد که معاویه آن را گفته باشد.

- ثمرات این فرهنگ سازی:

۱. وقتی علی (ع) معاویه را عزل کرد و والی جدید را گمارد مردم او را قبول نکرده و مقابله کردند و با معاویه بیعت کردند. طبری نقل می کند: حضرت علی (ع) در سال سی و ششم هجری، والیان و حاکمان و مسئولین جدید را انتخاب کرد، و سهل بن حنیف را به عنوان حاکم شام فرستاد:

«فاما سهل فانه خرج حتی إذا کان بتبوك لقیته خیل، فقالوا: من أنت؟ قال: امیر، قالوا: علی ای شیء؟ قال: علی الشام، قالوا: ان کان عثمان بعثك فحیلا بك، وان کان بعثك غیره فارجع! قال: او ما سمعتم بالذی کان؟ قالوا: بلی، فرجع الی علی (ع)»؛

«سهل بن حنیف [وقتی حکم انتصاب امارت و حکومت شام را دریافت کرد] به سمت شام حرکت کرد، و در مسیر به تبوک رسید، گروهی سوار بر اسب، به او را رسیدند و از او پرسیدند: تو کیستی و کجا می روی؟ سهل جواب داد: من والی شام هستم. گفتند: اگر عثمان تو را فرستاده بیا، و اگر دیگری تو را فرستاده بازگرد، سهل گفت: مگر نشنیدید چه شده و چه اتفاقی رخ داده است؟» گفتند: چرا. [اما مانع او شدند] و سهل به سوی علی (ع) بازگشت» (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۴۲).

۲. شامیان چشم بسته مطیع معاویه بودند و در برابر معاویه کمترین اعتراضی را نداشتند و معاویه را در حد یک معصوم قبول داشتند. یک دلیل و سند محکم برای ادعای خود، کلام حجاج بن خزیمه است.

حجاج بعد از قتل عثمان وارد شام شد و آن شهر را اینگونه ارزیابی کرد:

«حجاج بن خزیمه گفت: ای معاویه، تونیروی داری که علی (ع) آن را ندارد، چون تو گروهی را داری [اهل شام] که چون تو سکوت کنی، سخن نمی گویند و چون تو حرف بزنی، آنها [شامیان] سکوت می کنند، و چون تو فرمان دهی سؤال نمی کنند، (اما) امام علی (ع) وقتی که سخن بگوید، آنان هم حرف و سخن می گویند و چون حضرت (ع) سکوت کند از او علت آن را می پرسند؟ گروه اندک تواز گروه بسیار او بهتر است» (دینوری، ۱۳۶۷: ۱۵۵).

این مطالب بیانگر آن است، سختی و مصائب شهر شام معلوم شود و اینکه چرا امام سجاد (ع) بزرگترین مصیبت را شام معرفی کردند. و چه وظیفه سنگینی برعهده دارد.

۵-۱-۲. ورود امام سجاد (ع) به شهر شام:

امام سجاد (ع) در بدو ورود به شهر شام، آن شهر را این گونه یافت:

۱. شامیان، فقط معاویه، یزید، حرفها و بخشنامه های آنها را قبول دارند و اسلامی را قبول دارند که معاویه گفته بود. چون معاویه در قالب مسلمان و صحابی پیامبر (ص) وارد شده و آن افکار و عقاید خود را ترویج داده بود. تزی به نام «جدایی دین از سیاست».

۲. وقتی شامیان اینگونه تربیت شده اند، پس به راحتی می توان برضد اهل بیت (ع) حرف زد، خطبه خواند، اهل بیت (ع) را خارجی خواند.

در این صورت شامیان نسبت به اهل بیت (ع) شناخت بسیارضعیفی دارند و یا هیچ شناختی ندارند. پس امام سجاد (ع) با شناخت چنین وضعیتی وارد شام شدند و با این نگاه باید به تبلیغ و افشاگری نهضت عاشورا پردازند.

۵-۲. خطبه امام سجاد (ع) در شام:

امام سجاد (ع) به همراه حضرت زینب (س) و کاروان اسراء وارد مجلس یزید شد در کاخ گفتگوهایی رد و بدل شد، سپس امام سجاد (ع) بر منبر رفت و خطابه خواند.

علامه مجلسی در بحار الانوار این خطبه را آورده که به فرازی از آن اشاره می کنیم:

«...فصعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه ثم خطب خطبة أبكى منها العيون وأوجل منها القلوب ثم قال أيها الناس أعطينا ستا وفضلنا بسبع أعطينا العلم والحلم و السماحة والفصاحة والشجاعة والمحبة في قلوب المومنين وفضلنا بأن منا النبي

المختار محمدا و منا الصديق و منا الطيار و منا اسد الله و اسد رسوله و منا سبطا هذه
الامة من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني انباته بحسبي و نسبي ايها الناس انا
ابن مكة و منى انا ابن زمزم و الصفا ... انا انا حتى ضج الناس بالبكاء و النحيب»
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۱۳۸)؛

«امام (ع) بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی چنین ادامه داد: خدا به ما علم و
حلم و شجاعت و سخاوت و محبت در دل مومنان عطا کرده، از ما است رسول
خدا، و وحی او سید الشهداء و جعفر طیار در بهشت و دو سبط این امت و مهدی
که دجال را می‌کشد، ای مردم هر که مرا می‌شناسد بشناسد و هر که مرا
نمی‌شناسد، او را به حسب و نسب خود مطلع کنم تا مرا بشناسد، منم پسر مکه و
منی، منم پسر زمزم و صفا، منم پسر آنکه حجر الاسود را به اطراف ردا برداشت،
منم پسر بهترین طواف و سعی کنندگان ...»

امام (ع) آن قدر در معرفی خویش سخن فرمود که مردم ضجه زدند و گریه کردند و
نگذاشتند حضرت (ع) ادامه دهد.

۳-۵. تحلیل و بازتاب خطبه امام (ع):

امام سجاد (ع) با استفاده از شیوه مخاطب‌شناسی این خطبه را ایراد فرمودند. زیرا
امام (ع) می‌دانست که شامیان در حصار فرهنگی معاویه قرار دارند. و دارای جمود فکری
و فقر فرهنگی هستند.

در اینجا سندی تاریخی می‌آوریم که دلالت دارد؛ حصار فرهنگی شهر شام به قدری
تنگ و شدید و عمیق بوده که بیش از یک قرن پس از انتقال حکومت از بنی امیه به بنی
عباس، گروهی از بزرگان و ریش سفیدان شام به دربار عباسی آمده و در پیشگاه سفاح
چنین قسم یاد کردند: «پیش از آنکه بنی عباس به خلافت برسند، برای پیغمبر (ص)
خویشاوندان و خاندانی جز بنی امیه نمی‌شناخته‌اند» (مسعودی؛ ۱۴۰۹: ۳۸/۲).

وقتی که مردم تحت تربیت معاویه چنین بودند از آنها انتظار نمی‌رود که اهل بیت (ع)
را خارجی نمانند. امام سجاد (ع) با توجه به این وضعیت، نمی‌تواند به طور مستقیم،
خودش را معرفی کند؛ زیرا شامیان در اطاعت حاکم خود یک دل و استوار بودند و اهل
بیت (ع) را نمی‌شناختند و یا امام (ع) نمی‌تواند در ابتدا به صورت آشکارا بگوید، یزید

قاتل است.

پس امام (ع) چگونه سخن بگوید؟ چگونه به افشاگری پردازد؟ با چه مقدمه‌ای شروع کند؟

امام (ع) براین اساس باید خویش را به گونه‌ای معرفی کند که مورد قبول شامیان است و می‌شناسند. در این جهت امام (ع) از مسلمات و مقبولات شروع کردند و حصار تنگ معاویه را شکست.

مرحوم علامه مجلسی می‌نویسد، امام (ع) خویش را با بیش از ۴۰ صفت معرفی نمود (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۱۳۸).

سخنان حضرت سجاد (ع) و حضرت زینب (س) چنان در روحیه مردم شام تاثیر گذاشت که انقلاب به پا کرد. شامیان دریافتند کسانی که با چنین وضع فجیعی در کربلا شهید شدند، شورشی نبودند بلکه از خاندان پاک پیامبر اکرم (ص) بودند و خارجی نیستند.

تأثیر این کلام نورانی چنان شد که نقل کرده‌اند:

«عالم یهودی که در مجلس یزید بود؛ پس از شنیدن سخنان امام سجاد (ع) از یزید پرسید: این جوان کیست؟ یزید گفت: فرزند حسین (ع). یهودی گفت: کدام حسین؟ آن قدر پرسید تا دانست اینها از خاندان پیامبر اکرم (ص) هستند که مظلومانه در کربلا به شهادت رسیده است. سپس یهودی یزید را مورد سرزنش قرار داد و گفت: شما دیروز از پیامبرتان جدا شدید و امروز فرزندش را کشتید» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۷۴۱-۷۴۲).

از ثمرات بیان خطبه‌ها و حضور اسراء در شام می‌توان به تغییر معادلات یزید؛ ایجاد تحول بزرگ و بنیادین در میان شامیان؛ معرفی خاندان واقعی پیامبر (ص)؛ معرفی امام حسین (ع)، تبیین اهداف قیام و نهضت حسینی؛ شناساندن اسلام راستین ناب محمدی (ص)؛ ابداع روش مخاطب‌شناسی و کاربرد مؤثر آن در تبلیغ؛ افشاء توطئه خارجی نامیدن امام حسین (ع) و کاروان اسراء اشاره کرد.

امام سجاد (ع) در سیاست خارجی و سفر تبلیغی خویش، معنای واقعی "نرمش



قهرمانانه" را بیان فرمودند. براین اساس امام (ع) در ابتدای امامت خویش چهره نهاجمی و فعال در برابر یزیدیان می‌گیرد و به تبیین حادثه عاشورا می‌پردازد اما در ادامه با چرخشی حکیمانه با روش تقیه همراه با دعا، مناجات، گریه و عزاداری به تبلیغ معارف اسلامی می‌پردازد.

۵-۳-۱. آثار و نتایج خطبه‌ها :

امام سجاد (ع) با روش مخاطب شناسی به ایردا خطبه‌ها و سخنرانی در شهرهای کوفه، شام (و حتی مدینه) پرداخت که آثار و نتایجی در جامعه اسلامی از خود برجا گذاشت که برخی از آنها به طور مختصر چنین است:

۱. رسوا ساختن هیئت حاکمه

بنی امیه به حکومت و سلطنت خود رنگ دینی می‌دادند و به نام اسلام و جانشینی پیامبر (ص) در جامعه اسلامی حکومت می‌کردند و با شیوه‌های گوناگون مانند: جعل حدیث، جذب شعرا و محدثان جهت تثبیت موقعیت دینی خود در جامعه می‌کوشیدند (پیشوائی، ۱۳۷۹: ۲۱۴) اما امام سجاد (ع) با سخنرانی و افشاگری‌ها توانست مسلمانان را از فجایع زشت و عملکرد نامناسب یزید آگاه و آشنا نماید.

۲. آشنایی مردم با اسلام واقعی

امام سجاد (ع) در تمامی مباحث اعتقادی و سیاسی خویش، مخاطبان، مسلمانان و یزیدیان را با اسلام ناب محمدی (ص)، بهتر آشنا کرد و آنان را از اسلام مدنظر بنی‌امیه برحذر داشت.

۳. احیای سنت شهادت

پیامبر اسلام (ص) با آوردن آیینی نو که بر اساس ایمان به خدا استوار بود، سنت شهادت را پی‌ریزی کرد و به گواه تاریخ، عامل بسیاری از پیروزی‌های بزرگ مسلمانان، استقبال آنان از شهادت در راه خدا به خاطر پیروزی حق بود. اما پس از درگذشت پیامبر (ص)، در اثر انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود، مسلمانان روحیه سلحشوری خود را از دست دادند و به رفاه و آسایش خو گرفتند. اما قیام امام حسین (ع) این وضع را دگرگون ساخت و سنت شهادت را در جامعه اسلامی زنده کرد» (همان: ۲۱۸-۲۱۹).

البته نقش امام سجاد(ع) خیلی مهم بود. چون اگر افساگری ایشان نبود و در منابر به دفاع از خون سید الشهداء(ع)، نمی پرداخت؛ چه بسا جوامع اسلامی از شهادت امام حسین(ع) بی خبر می ماندند.

۴. برپایی قیام در امت اسلامی

امام سجاد(ع)، بعد از شهادت امام حسین(ع)، در مکانهای مختلف به ویژه در شهر کوفه با سخنرانی فصیح و بلیغ به سرزنش و نکوهش کوفیان پرداخت و آنها را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. پس از این سخنرانیها، کوفیان نادم و پشیمان شدند و دو قیام توابین و مختار ضد بنی امیه برپا شد.

۶. نتیجه گیری:

امام سجاد(ع) در برهه حساس، زمام امور را بر عهده گرفت و به عنوان رهبر شیعه بهترین تأثیر را در هدایت ایفاء کرد. امام(ع) برای موفقیت در تبلیغ دین مبین اسلام و رساندن پیام نهضت حسینی به جهانیان از روش های کارآمد بهره برد. ما در این مقاله به خطبه های امام سجاد(ع) در کوفه و شام با نگاهی متفاوت پرداختیم. زیرا قائل هستیم خطبه های ایشان یکی از منابع پرارزشی است که دارای مضامین عالی در تبلیغ می باشد. با مطالعه این دو خطبه، روشی هدفمند و قابل اجراء به نام مخاطب شناسی با رویکرد تبلیغی - کاربردی، به نگارش درآوردیم. نکته مهم حضرت(ع) این بود که در امر مقدس تبلیغ، داشتن تفکر و راهکار، بهترین ابزار موفقیت است. زیرا يك خطیب یا مبلّغ در صورتی می تواند اثرگذار باشد که از روش ها و اصول به نحو صحیح استفاده کند، چنانکه امام سجاد(ع) با روش مخاطب شناسی دو خطبه متفاوت ایراد فرمودند و به اهداف خویش نائل آمدند.



منابع

* قرآن كريم

- ابن اثير عزالدين أبوالحسن علي بن ابي الكرم (١٣٨٥ق)، الكامل في التاريخ، دارصادر؛ داربيروت.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (١٤١٥ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقق: عادل احمد عبدالموجود وعلی محمد معوضی، دارالكتب العلمية، بيروت، چاپ اول.
- ابن طاووس، علی بن موسى اللهوف (١٣٤٨ش)، علی قتلى الطفوف؛ ترجمه احمد زنجانی فهري، ناشر جهان، تهران، چاپ اول.
- ابن قتيبه دينوري؛ ابومحمد عبدالله بن مسلم (١٤١٠ق)، الإمامة والسياسة المعروف بتاريخ الخلفاء؛ تحقيق: علی شيرى، دارالأضواء، بيروت، چاپ اول.
- برقى ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١ق)، المحاسن، دارالكتب الاسلاميه، قم، چاپ دوم.
- پيشوائى، مهدي (١٣٧٩ش)، سيره پيشوايان، موسسه امام صادق (ع)، قم، يازدهم.
- حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى (١٤١٤ق)؛ تذكرة الفقهاء، موسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول.
- دينورى، ابوحنيفه احمد بن داود (١٣٦٧ش)، الأخبار الطوال، تحقيق: عبدالمنعم عامر. جمال الدين شيبان، منشورات الرضى، قم.
- رفيعى، على (بى تا)، تاريخ زندگانی امام سجاد (ع)، سايت اينترنتى كتابخانه مدرسه فقاها.
- طبرسى، احمد بن على (١٤٠٣ق)، الإحتجاج على أهل اللجاج، طبرسى - مشهد، چاپ: اول.
- طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير (١٣٨٧ق)؛ تاريخ الأمم والملوك (تاريخ الطبرى)، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ط الثانية،

- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶ ش)، جلاء العیون، تاریخ چهارده معصوم (ع)، تحقیق: سید علی امامیان، سرور، قم، چاپ دوازدهم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹ ق)، مروج الذهب ومعادن الجوهر تحقیق: اسعد ذاعر، دار الهجرة، قم، چاپ دوم.
- منتظری مقدم، محمود (۱۳۸۸ ش)، منطق ۲، انتشارات مرکز، قم، چاپ اول.

